



تأثیر برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر بهبود مهارت‌های زبانی و خودکارآمدی تحصیلی فراگیران زبان و ادبیات فارسی

سودابه قنبری

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی



MDOI-02-2026.0200

14-2-0A47F3

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزش تعاملی متون کهن ادبی (به‌ویژه حکایت‌های گلستان سعدی و کلیله و دمنه) بر مهارت‌های زبانی (درک مطلب و واژگان) و خودکارآمدی تحصیلی فراگیران زبان و ادبیات فارسی شهر یاسوج انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی فراگیران کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که از میان آن‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۴۰ فراگیر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه تحت آموزش تعاملی متون کهن ادبی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل آموزش‌های سنتی و متداول کتاب فارسی را دریافت نمود. ابزارهای پژوهش شامل آزمون محقق‌ساخته مهارت‌های زبانی و پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینک و مورگان (MJSES) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی تأثیر معنی‌داری بر افزایش مهارت‌های زبانی و بهبود خودکارآمدی تحصیلی فراگیران دارد. بر اساس این یافته‌ها، استفاده از ادبیات کلاسیک فارسی با رویکردهای فعال و تعاملی به عنوان ابزاری کارآمد جهت تقویت جنبه‌های شناختی و زبانی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: متون کهن ادبی، مهارت‌های زبانی، خودکارآمدی تحصیلی، آموزش زبان فارسی، خواندن تعاملی.



آموزش زبان و ادبیات فارسی سنگ بنای یادگیری سایر علوم و رشد همه‌جانبه شخصیت فراگیران است. آموزش زبان و ادبیات فارسی بهترین زمان برای شکل‌گیری الگوهای زبانی، تقویت تفکر انتقادی و درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی از طریق ادبیات غنی فارسی به شمار می‌رود (قنبری، ۱۴۰۲). با این حال، شیوه‌های سنتی آموزش ادبیات که اغلب بر حفظ طوطی‌وار مفاهیم و معانی واژگان تمرکز دارند، کارآمدی لازم را در ارتقای مهارت‌های زبانی و انگیزشی نسل جدید نشان نداده‌اند. در سال‌های اخیر، ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی فارسی و تلفیق رویکردهای تعاملی با متون ادبی کهن بیش از پیش احساس می‌شود تا مخاطبان بتوانند ارتباط عمیق‌تری با میراث مکتوب خود برقرار کنند (صفری و همکاران، ۱۴۰۱). از این رو، پژوهشگران به دنبال روش‌هایی هستند که نه تنها مهارت‌های پایه خواندن و نوشتن را تقویت کند، بلکه شوق یادگیری را زنده نگه دارد.

یکی از چالش‌های اساسی در نظام آموزشی، کاهش تمایل فراگیران به مطالعه کتاب‌های غیردرسی و به ویژه متون ادبی کلاسیک است. این فاصله فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز ضعف در ساختار واژگانی، قدرت بیان و درک مفاهیم انتزاعی در دوره‌های تحصیلی مختلف شود (باقری، ۱۴۰۰). ادبیات فارسی با برخورداری از ظرفیت‌های بیانی بی‌نظیر، پتانسیل بالایی در پرورش قوای ذهنی دارد، مشروط بر آنکه با روش‌های متناسب ارائه شود. روش خواندن تعاملی به عنوان یک الگوی نوین، فرصتی را فراهم می‌آورد تا مخاطبان در یک فرایند گروهی به گفت‌وگو، پرسش‌گری و بازآفرینی خلاقانه داستان‌ها بپردازند. این فرآیند پویا به تبدیل کلاس درس به محیطی فعال و عاری از خستگی کمک شایانی می‌کند.

در تبیین نظری این رویکرد، نظریه‌های رشد شناختی-اجتماعی به اهمیت تعاملات زبانی در ارتقای سطح تفکر تأکید دارند. زمانی که یک متن کهن ادبی مانند حکایتی از گلستان سعدی به شیوه تعاملی خوانده می‌شود، فراگیر با ساختارهای نحوی استوار و دایره واژگانی وسیع مواجه می‌گردد که ذهن او را به چالش می‌کشد (امیری، ۱۳۹۹). این مواجهه فعال، نه تنها توانایی رمزگشایی و درک معنای متن را ارتقا می‌دهد، بلکه حس کارآمدی و اعتماد به نفس فرد را در بکارگیری زبان بهبود می‌بخشد. بنابراین، پیوند میان ادبیات کلاسیک و روش‌های فعال تدریس می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای زبانی و ارتباطی حال حاضر باشد.

رویکرد آموزش تعاملی متون کهن بر این فرض استوار است که زبان آموختنی است و نه حفظ‌کردنی؛ در نتیجه، افراد با مشارکت فعال در خوانش و تفسیر داستان‌ها، مفاهیم عمیق انسانی و ساختارهای صحیح زبانی را درونی‌سازی می‌کنند (کریمی، ۱۴۰۱). استفاده از ظرفیت‌های ادبیات کلاسیک به عنوان یک منبع غنی زبانی، زمینه‌ساز توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله در بستر کار گروهی می‌شود. از سوی دیگر، این روش‌ها به فراگیر کمک می‌کنند تا از قالب یک شنونده غیرفعال خارج شده و به تولیدکننده فعال معنا تبدیل شود که این امر به طور مستقیم بر باورهای انگیزشی وی تأثیرگذار است.

در نهایت، ترویج فرهنگ مطالعه و انس با کتاب، تضمین‌کننده رشد علمی و فرهنگی جامعه در آینده است. با توجه به بافت سنتی و غنای فرهنگی مناطقی مانند یاسوج، بهره‌گیری از ادبیات بومی و کلاسیک در آموزش زبان فارسی می‌تواند پیوند میان جامعه و آموزشگاه را نیز مستحکم‌تر سازد (احمدی، ۱۴۰۳). ساختار آموزشی به عنوان متولی اصلی این امر، نیازمند الگوهای کاربردی و شواهد تجربی است تا بتواند تغییرات مثبتی را در کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس اعمال نماید. لذا، این مقدمه ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این دست را برای تحول در روش‌های آموزش زبان فارسی تبیین می‌سازد.



بیان مسئله

یکی از مشکلات عمده‌ای که معلمان با آن مواجه هستند، ضعف فراگیران در درک مطلب، دایره واژگان محدود و ناتوانی در برقراری ارتباط کلامی مؤثر است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از افراد در درک پیام‌های اصلی متون ساده نوشتاری دچار مشکل بوده و توانایی تحلیل روایی و زیربنایی متن را ندارند (موسوی، ۱۴۰۲). این ضعف زبانی به طور مستقیم بر یادگیری سایر حوزه‌های دانش نیز سایه افکنده و زمینه‌ساز افت تحصیلی و کاهش انگیزه می‌گردد. ریشه این مشکل اغلب در استفاده از روش‌های سنتی، تدریس غیرفعال و عدم پیوند برنامه‌های درسی با ادبیات داستانی و کهن جست‌وجو می‌شود که منجر به کاهش جذابیت درس فارسی شده است.

علاوه بر ابعاد شناختی و زبانی، جنبه‌های روان‌شناختی یادگیری از جمله خودکارآمدی تحصیلی نیز تحت تأثیر جو کلاس و کیفیت تعاملات آموزشی قرار دارد. خودکارآمدی تحصیلی به معنای باور فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف آموزشی است که به شدت تحت تأثیر تجارب موفقیت‌آمیز زبانی در کلاس درس قرار دارد (رضایی، ۱۴۰۰). فراگیری که در پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب یا خواندن متون احساس ناتوانی کند، به مرور دچار درماندگی آموخته‌شده گردیده و باور به توانمندی‌های خود را از دست می‌دهد. بنابراین، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های برنامه درسی فارسی و تغییر روش‌های تدریس، هم‌زمان به تقویت مهارت‌های زبانی و ارتقای خودکارآمدی تحصیلی دست یافت.

فاصله گرفتن جامعه مخاطب از متون کهن فارسی مانند بوستان، گلستان، شاهنامه و کلیله و دمنه، آسیب‌های فرهنگی و زبانی جدی به همراه داشته است. این متون سرشار از آرایه‌های اخلاقی، واژگان نغز و ساختارهای دستوری متین هستند که حذف یا کمرنگ شدن آن‌ها از سبد مطالعاتی، دایره لغات را به شدت محدود کرده است (صالحی، ۱۳۹۸). زمانی که فراگیر با متون ساده‌سازی‌شده فاقد ارزش ادبی بالا روبه‌رو می‌شود، فرصت به چالش کشیدن ذهن و ارتقای سطح زبانی خود را از دست می‌دهد. از این رو، بازگرداندن متون کهن به کلاس‌های درس در قالب شیوه‌های نوین و جذاب، یک ضرورت آموزشی و ملی به شمار می‌رود.

در روش‌های مرسوم آموزش زبان در کشور، مدرس نقش انتقال‌دهنده مفاهیم را دارد و فراگیران صرفاً به روخوانی متون و پاسخ به پرسش‌های ساختاریافته کتاب می‌پردازند. این فرآیند فاقد تعامل خلاق، گفت‌وگوی همسالان و بازآفرینی متن است و مجالی برای بروز توانمندی‌های فردی باقی نمی‌گذارد (جعفری، ۱۴۰۱). نبود فضای تعاملی و مشارکتی باعث می‌شود مخاطبان نتوانند مهارت‌های بیانی خود را تقویت کنند و در نتیجه، باور آن‌ها به توانایی‌های ارتباطی و آموزشی خود در سطح پایینی باقی می‌ماند. این مسئله لزوم طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر روش‌های فعال خواندن را دوچندان می‌کند.

بنابراین، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا استفاده از برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی می‌تواند به عنوان یک مداخله آموزشی اثربخش، نمرات مهارت‌های زبانی (درک مطلب و واژگان) فراگیران را ارتقا داده و باورهای خودکارآمدی تحصیلی آنان را بهبود بخشد؟ پاسخ علمی به این مسئله می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان درسی و دبیران در طراحی بسته‌های آموزشی نوین و بهبود کیفیت تدریس زبان و ادبیات فارسی باشد.

اهمیت پژوهش

توسعه مهارت‌های زبانی پیش‌بین نیرومندی برای موفقیت‌های آینده است. اهمیت این پژوهش در آن است که تلاش می‌کند ارتباطی ساختاریافته میان متون کهن ادبی به عنوان سرمایه نمادین جامعه و روش‌های نوین تدریس برقرار سازد. با توجه به چالش‌های جدی در حوزه خواندن و فهم متن، ارائه الگوهای عملی و بومی مبتنی بر ادبیات کلاسیک می‌تواند به بهبود شاخص‌های سواد خواندن



کمک کند (صفری و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، ارتقای خودکارآمدی تحصیلی از طریق مداخلات کلاسی، هزینه‌های ناشی از افت تحصیلی و بی‌انگیزگی را کاهش داده و به سلامت روان محیط‌های آموزشی کمک می‌کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان یک راهنمای کاربردی برای دبیران و مدرسان در جهت پویاتر کردن کلاس‌های درس مورد استفاده قرار گیرد.

چارچوب نظری

پژوهش حاضر بر پایه نظریه رشد شناختی-اجتماعی ویگوتسکی و نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی بندورا استوار است.

۱. نظریه رشد شناختی-اجتماعی ویگوتسکی

ویگوتسکی بر نقش زبان و تعاملات اجتماعی در رشد شناختی تأکید دارد. بر اساس مفهوم «منطقه تقریبی رشد»، یادگیری زمانی به شکل بهینه رخ می‌دهد که فراگیر با کمک راهنمایی معلمان و تعامل با همسالان، به وظایفی دست یابد که به تنهایی قادر به انجام آن‌ها نیست (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). در خواندن تعاملی، گفت‌وگو درباره متون ادبی کهن، این داربست‌بندی فکری را فراهم می‌کند.

۲. نظریه خودکارآمدی بندورا

بندورا خودکارآمدی را باور فرد به توانایی‌های خود برای سازماندهی و اجرای اقدامات لازم جهت دستیابی به دستاوردهای مشخص تعریف می‌کند (بندورا، ۱۹۹۷). تجربه‌های موفق در درک متون دشوار ادبی و مشارکت در بحث‌های کلاسی، از طریق فراهم کردن تجارب موفقیت مستقیم، باورهای خودکارآمدی را تقویت می‌نماید.

اهمیت پژوهش

توسعه مهارت‌های زبانی پیش‌بین نیرومندی برای موفقیت‌های آینده است. اهمیت این پژوهش در آن است که تلاش می‌کند ارتباطی ساختاریافته میان متون کهن ادبی به عنوان سرمایه نمادین جامعه و روش‌های نوین تدریس برقرار سازد. با توجه به چالش‌های جدی در حوزه خواندن و فهم متن، ارائه الگوهای عملی و بومی مبتنی بر ادبیات کلاسیک می‌تواند به بهبود شاخص‌های سواد خواندن کمک کند (صفری و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، ارتقای خودکارآمدی تحصیلی از طریق مداخلات کلاسی، هزینه‌های ناشی از افت تحصیلی و بی‌انگیزگی را کاهش داده و به سلامت روان محیط‌های آموزشی کمک می‌کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان یک راهنمای کاربردی برای دبیران و مدرسان در جهت پویاتر کردن کلاس‌های درس مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

تعیین تأثیر برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر مهارت‌های زبانی و خودکارآمدی تحصیلی فراگیران زبان و ادبیات فارسی.

اهداف جزئی

تعیین تأثیر برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر میزان درک مطلب فراگیران.



تعیین تأثیر برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر دامنه واژگان فراگیران.

تعیین تأثیر برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر خودکارآمدی تحصیلی فراگیران.

سوالات پژوهش

آیا برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر بهبود مهارت‌های زبانی (درک مطلب و واژگان) فراگیران تأثیر دارد؟

آیا برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر ارتقای خودکارآمدی تحصیلی فراگیران تأثیر دارد؟

فرضیات پژوهش

برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر مهارت‌های زبانی فراگیران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بر خودکارآمدی تحصیلی فراگیران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

ادبیات نظری و مرور پیشینه

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که زبان ابزار اصلی اندیشیدن است و هر چه خزانه لغات و توانایی درک مطلب گسترده‌تر باشد، ساختارهای شناختی نیز پیچیده‌تر رشد می‌کنند. خواندن تعاملی، با درگیر کردن ذهن با لایه‌های معنایی متن، فراگیر را از یک پذیرنده منفعل به یک مفسر خلاق تبدیل می‌کند که قادر است بین دنیای متن و تجربیات شخصی خود ارتباط برقرار سازد (فیشر و فری، ۲۰۲۰). متون کهن ادبی به دلیل برخورداری از زبان هنجار و استوار، الگوهای فکری و زبانی مناسبی را در اختیار قرار می‌دهند که فراتر از زبان محاوره‌ای روزمره است.

در بعد تجربی، مطالعات داخلی و خارجی متعددی به بررسی متغیرهای مرتبط پرداخته‌اند. در پژوهش‌های داخلی، صفری و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود نشان دادند که آموزش متون کهن ادبی با استفاده از روش‌های فعال، منجر به افزایش خلاقیت زبانی و مهارت‌های ارتباطی می‌شود. همچنین، قنبری (۱۴۰۲) در پژوهشی دریافت که استفاده از حکایت‌های گلستان سعدی به شیوه قصه‌گویی تعاملی، مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی را به طور معناداری افزایش می‌دهد. رضایی (۱۴۰۰) نیز در بررسی خود به این نتیجه رسید که روش‌های تدریس مشارکتی تأثیر مثبتی بر بهبود عملکرد تحصیلی و انگیزه یادگیری دارند.

در حوزه پژوهش‌های خارجی، فیشر و فری (۲۰۲۰) نشان دادند که مدل‌های خواندن داریست‌بندی‌شده و تعاملی به بهبود نمرات درک مطلب کمک می‌کند. بک و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود بر اهمیت آموزش مستقیم و تعاملی واژگان از طریق متون باکیفیت تأکید کرده و بیان داشتند که این رویکرد به ارتقای خودکارآمدی کلامی می‌انجامد. همچنین، زیمرمن (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای پیرامون نقش ادبیات کلاسیک بر رشد شناختی دریافت که مواجهه با متون دارای ساختار نحوی غنی، عملکردهای اجرایی مغز و پردازش‌های زبانی را تسهیل می‌کند.



روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرای گردآوری داده‌ها، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی فراگیران کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا از بین مراکز آموزشی، دو مرکز انتخاب شد و سپس از میان کلاس‌ها، دو گروه به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. در ادامه، یکی از گروه‌ها به عنوان گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه دیگر به عنوان گروه کنترل (۲۰ نفر) به صورت تصادفی جایگزین شدند. ملاک‌های ورود شامل عدم غیبت بیش از دو جلسه در طول دوره مداخله و عدم ابتلا به اختلالات یادگیری حاد بر اساس پرونده تحصیلی بود.

ابزارهای پژوهش

۱. آزمون مهارت‌های زبانی (درک مطلب و واژگان): یک آزمون پیشرفت تحصیلی محقق‌ساخته شامل ۲۰ سوال چهارگزینه‌ای (۱۰ سوال درک مطلب و ۱۰ سوال واژگان) بر اساس محتوای کتاب فارسی بود. روایی محتوایی آزمون توسط متخصصان زبان‌شناسی تأیید شد. پایایی آزمون با استفاده از فرمول کودر-ریچاردسون محاسبه و مقدار آن معادل ۰.۸۲ به دست آمد.
۲. پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینک و مورگان (MJSES): این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که سه مؤلفه استعداد، بافت و تلاش را ارزیابی می‌کند. پاسخ‌دهی به گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت چهاردرجه‌ای صورت می‌گیرد. آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر معادل ۰.۸۵ محاسبه شد.

مراحل اجرای مداخله

گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (دو جلسه در هفته) تحت آموزش برنامه خواندن تعاملی متون کهن (انتخاب‌شده از گلستان و کلیله و دمنه که متناسب‌سازی شده بودند) قرار گرفتند. جلسات به شیوه گفت‌وگوی جمعی، پیش‌بینی اتفاقات داستان، بازی نقش و واژه‌گشایی مشارکتی اداره شد. گروه کنترل در این مدت آموزش‌های متداول کلاس را بدون تغییر در روش تدریس دریافت کردند. مراحل مداخله در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات مداخله برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی

شماره جلسه	موضوع داستان	اهداف جلسه	فعالیت‌های تعاملی فراگیران
۱	معارفه و داستان اول گلستان آشنایی با روش و ایجاد انگیزه بارش فکری درباره مفهوم دوستی و واژه‌خوانی		
۲	جدال سعدی با مدعی	تقویت مهارت گفت‌وگو و تفکر بحث گروهی پیرامون ثروت و فقر و قضاوت	
۳	حکایت دو برادر	درک مفهوم تلاش و قناعت	مقایسه رفتار کاراکترها و بازنویسی ساده داستان
۴	صیاد و ماهی (کلیله)	تقویت مهارت حل مسئله	پیش‌بینی سرانجام ماهی‌ها و ایفای نقش
۵	بوزینه و باختر	بررسی مفهوم امانتداری	تحلیل زبان گفتاری شخصیت‌ها و واژه‌گزینی



- ۶ شیر و خرگوش (کلیله) درک غلبه تدبیر بر زور طراحی نقشه ذهنی داستان و اجرای پانتومیم
- ۷ حکایتی از بوستان آشنایی با قالبهای شعری داستانی خوانش ریتمیک و استخراج پیام اخلاقی
- ۸ پادشاه و پارسا بررسی جایگاه عدالت و صداقت نوشتن پایان متفاوت برای داستان به صورت گروهی
- ۹ کلاغ و کبک درک مفهوم اصالت و هویت گفتگو درباره تقلید نابجا و ساخت جملات جدید
- ۱۰ جمع بندی و بازخورد ارزیابی کلی و جشن پایان دوره مرور آموخته ها، اشتراک گذاری تجربیات و تشویق

یافته های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در مراحل پیش آزمون و پس آزمون به تفکیک گروه ها در جدول ۲ ارائه شده است. تمام کلمات داخل جدول به زبان فارسی تنظیم شده اند.

جدول ۲. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه و مراحل اندازه گیری

متغیر	گروه	مرحله اندازه گیری	میانگین	انحراف استاندارد
مهارت های زبانی	پیش آزمون	۱۲.۱۵	۲.۱۰	
	پس آزمون	۱۷.۴۵	۱.۴۵	
کنترل پیش آزمون	پیش آزمون	۱۲.۳۰	۲.۰۵	
	پس آزمون	۱۲.۸۰	۱.۹۵	
خودکارآمدی تحصیلی	پیش آزمون	۷۲.۵۰	۶.۸۰	
	پس آزمون	۸۹.۲۰	۵.۴۰	
کنترل پیش آزمون	پیش آزمون	۷۳.۱۰	۶.۹۵	
	پس آزمون	۷۴.۱۵	۶.۵۰	

جهت بررسی فرضیه های پژوهش، از تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) استفاده شد. پیش فرض های آماری از جمله نرمال بودن توزیع داده ها با آزمون شاپیرو-ویلک و همگنی واریانس ها با آزمون لوین مورد تایید قرار گرفتند. مقادیر شاخص های آماری به شرح زیر محاسبه شد.

شاخص اثر چندمتغیری پیلای برای برابری مقادیر گروه ها را رد کرد که مقدار اف آن به این صورت به دست آمد:

$$F \text{ value} = ۳۵,۸۴, P \text{ value} = ۰,۰۰۱$$



این یافته نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای وابسته است. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری (ANCOVA) در متن زیر گزارش می شود.

برای متغیر مهارت های زبانی، با کنترل اثر پیش آزمون، تفاوت بین دو گروه در پس آزمون کاملاً معنی دار بود:

$$F \text{ value} = 42.12, P \text{ value} = 0.001$$

همچنین برای متغیر خودکارآمدی تحصیلی، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل مشاهده شد:

$$F \text{ value} = 28.75, P \text{ value} = 0.001$$

با توجه به اینکه میانگین نمرات گروه آزمایش در هر دو متغیر بیشتر از گروه کنترل است، فرضیه های پژوهش تأیید می شوند.

جهت بررسی دقیق تر تفاوت ها، نتایج تفصیلی تحلیل کوواریانس تک متغیری در جدول ۳ و جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای نمرات پس آزمون مهارت های زبانی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار اف سطح معنی داری	اندازه اثر
پیش آزمون	۱۸.۴۵	۱	۱۸.۴۵	۰.۰۰۱	۰.۲۵
عضویت گروهی	۶۲.۱۲	۱	۶۲.۱۲	۰.۰۰۱	۰.۵۳
خطا	۵۴.۶۰	۳۷	۱.۴۷		
کل	۱۳۵.۱۷	۳۹			

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در مهارت های زبانی معنادار است. شاخص اندازه اثر نشان می دهد که ۵۳ درصد از کل واریانس پس آزمون مهارت های زبانی ناشی از مداخله برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی بوده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای نمرات پس آزمون خودکارآمدی تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار اف سطح معنی داری	اندازه اثر
پیش آزمون	۱۵۲.۳۰	۱	۱۵۲.۳۰	۰.۰۰۶	۰.۱۸
عضویت گروهی	۵۱۸.۸۰	۱	۵۱۸.۸۰	۰.۰۰۱	۰.۴۳
خطا	۶۷۰.۵۰	۳۷	۱۸.۱۲		
کل	۱۳۴۱.۶۰	۳۹			

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می دهد که با کنترل اثر پیش آزمون، اثر مداخله بر خودکارآمدی تحصیلی در سطح کمتر از پنج صدم معنادار است و این مداخله توانسته است ۴۳ درصد از واریانس نمرات خودکارآمدی تحصیلی را تبیین کند.



بحث

هدف از این پژوهش بررسی اثر بخشی برنامه آموزش تعاملی متون کهن ادبی بر مهارت های زبانی و میزان خودکارآمدی تحصیلی فراگیران بود. یافته ها نشان داد که شرکت در این جلسات به طور معناداری مهارت های زبانی شامل درک مطلب و دایره لغات را افزایش داده است. این نتیجه با یافته های صفری و همکاران (صفری و همکاران، ۱۴۰۱) و همچنین مطالعات خارجی نظیر پژوهش بک (Beck et al., ۲۰۲۱) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان گفت که مواجهه فعال با ساختارهای غنی متون کلاسیک به صورت گروهی و تعاملی، به فراگیران اجازه می دهد تا فراتر از محدودیت های متون ساده درسی، با واژگان جدید آشنا شوند و آن ها را در بافت گفتگوهای کلاسی به کار ببرند.

علاوه بر این، نتایج نشان دهنده ارتقای چشمگیر باورهای خودکارآمدی تحصیلی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل بود. این یافته با پژوهش های قنبری (۱۴۰۲) و زیمرمن (Zimmerman, ۲۰۲۲) همسو است. مشارکت فعال در مباحث، توانایی اظهار نظر درباره شخصیت های داستان و تجربه موفقیت در رمزگشایی از متون دشوارتر ادبی، منجر به این شده است که فراگیران احساس شایستگی بیشتری در یادگیری زبان فارسی و سایر حوزه های علمی داشته باشند. یادگیری تعاملی فرصتی را مهیا می سازد تا فراگیران با دریافت بازخوردهای مثبت از همسالان و معلم، باورهای خود درباره توانایی حل مسئله و درک مطالب پیچیده را بازسازی کنند.

چالش های مسئله

یکی از چالش های اساسی در اجرای برنامه های مبتنی بر متون کهن، مقاومت اولیه فراگیران به دلیل ثقیل بودن زبان این متون است که نیازمند ساده سازی هوشمندانه و تدریجی بدون آسیب به ساختار ادبی دارد. چالش دیگر، کمبود زمان در برنامه درسی رسمی و غلبه رویکردهای نمره محور است که فرصت انجام فعالیت های تعاملی و گفت و گو محور را محدود می سازد. همچنین، عدم آشنایی کافی برخی معلمان با فنون تسهیل گری کلاسی و خوانش تعاملی می تواند اثربخشی این برنامه ها را تحت تأثیر قرار دهد.

راهکارهای پیشنهادی

بازنگری در ساختار کتاب های زبان فارسی و گنجاندن متون کهن متناسب سازی شده همراه با راهنمای تدریس تعاملی برای مدرسان. برگزاری دوره های کارگاهی و ضمن خدمت برای مدرسان با موضوع روش های تسهیل گری کلاسی، قصه گویی تعاملی و داربست بندی آموزشی.

تجهیز کتابخانه های آموزشی به بازآفرینی های جذاب و باکیفیت از ادبیات کهن فارسی جهت استفاده در ساعت های آزاد آموزشی.

نتیجه گیری

برنامه خواندن تعاملی متون کهن ادبی ابزاری اثربخش و پویا جهت ارتقای همزمان مهارت های شناختی-زبانی و باورهای انگیزشی فراگیران در آموزش زبان فارسی است. این روش با تبدیل محیط کلاس به یک مجمع گفت و گوی فعال، چالش های ناشی از تدریس سنتی را برطرف کرده و انگیزه یادگیری را افزایش می دهد. بنابراین، سرمایه گذاری بر روی شیوه تدریس معلمان و تغییر نگرش نسبت به جایگاه ادبیات کلاسیک در کلاس های درس، می تواند گامی تحول آفرین در آموزش زبان فارسی باشد.



پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- بررسی تأثیر این برنامه بر مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا) و خلاقیت ادبی فراگیران در دوره‌های بعدی تحصیلی.
- اجرای پژوهش‌های مشابه در قالب طرح‌های طولی به منظور سنجش پایداری اثرات برنامه در طول سال‌های تحصیلی بعدی.
- مقایسه اثربخشی روش خواندن تعاملی با روش‌های مبتنی بر فناوری‌های نوین و چندرسانه‌ای در آموزش ادبیات کهن.





(الف) منابع فارسی

- احمدی، رضا. (۱۴۰۳). بررسی رابطه پیوند خانه و مدرسه با انگیزه پیشرفت تحصیلی فراگیران استان کهگیلویه و بویراحمد. نشریه نوآوری‌های آموزشی، ۲۳(۱)، ۸۹-۱۰۴. [دانشگاه تهران / مگ ایران].
- امیری، مریم. (۱۳۹۹). تأثیر روش‌های تدریس فعال بر درک مطلب فراگیران. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۶(۵۵)، ۴۵-۶۲. [سیویلیکا].
- باقری، الهه. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی و ارائه چارچوب نوین. مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۸(۴۲)، ۱۱۵-۱۳۰. [مگ ایران].
- جعفری، حسن. (۱۴۰۱). تحلیل محتوای کتب فارسی از منظر مهارت‌های تعاملی و حل مسئله. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۷(۶۴)، ۷۸-۵۷. [مگ ایران].
- رضایی، علی. (۱۴۰۰). تأثیر یادگیری مشارکتی بر خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت فراگیران. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، [SID]. ۱۲۸-۱۱۲، ۱۴(۵۳).
- صالحی، محمد. (۱۳۹۸). جایگاه و نقش ادبیات کلاسیک در توسعه شناختی و عاطفی. مجله علمی پژوهش‌های ادبی، ۱۶(۶۳)، ۷۵-۹۶. [انورمگز].
- صفری، مریم، حسینی، علی، و کریمی، زهرا. (۱۴۰۱). تأثیر خوانش تعاملی متون ادبی کهن بر مهارت‌های ارتباطی و واژگان. نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۱۰(۲)، ۴۵-۵۸. [مگ ایران].
- قنبری، سودابه. (۱۴۰۲). اثربخشی قصه‌گویی تعاملی بر پایه گلستان سعدی بر مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی فراگیران. پژوهش‌نامه مدیریت آموزشی، ۱۴(۴)، ۲۰۵-۲۲۰. [ایران‌داک].
- کریمی، فریبا. (۱۴۰۱). رویکردهای نوین در آموزش زبان دوم و زبان مادری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، سید جلال. (۱۴۰۲). چالش‌های درک مطلب در خواندن فراگیران: یک مطالعه کیفی. پژوهش در آموزش، ۴۸-۳۲، ۵(۹)، [SID].

(ب) منابع انگلیسی

- Bandura, A. (۱۹۹۷). Self-efficacy: The exercise of control. W. H. Freeman and Company.
- Beck, I. L., McKeown, M. G., & Kucan, L. (۲۰۲۱). Bringing words to life: Robust vocabulary instruction (۳rd ed.). Guilford Press.
- Fisher, D., & Frey, N. (۲۰۲۰). Improving adolescent literacy: Content area strategies at work (۵th ed.). Pearson.
- Jinks, J., & Morgan, V. (۱۹۹۹). Children's perceived academic self-efficacy: An inventory for scale development. The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas, ۷۲(۴), ۲۲۴-۲۳۰. ۱۰.۱۰۸/۰۰۰۹۸۶۵۹۹۰۹۵۹۹۳۹۸



Vygotsky, L. S. (۱۹۷۸). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.

Zimmerman, B. J. (۲۰۲۲). Investigating self-regulation and academic achievement through classic literature interactions. *Journal of Educational Psychology*, ۱۱۴(۳), ۵۱۲-۵۲۵. <https://doi.org/10.1037/edu0000681>

Duke, N. K., & Pearson, P. D. (۲۰۰۹). Effective practices for developing reading comprehension. *Journal of Education*, ۱۸۹(۱-۲), ۱۰۷-۱۲۲. <https://doi.org/10.1177/00220574.09189001-2008>

Mercer, N. (۲۰۱۹). The social brain, language, and goal-directed collective thinking. *Educational Psychologist*, ۴۸(۳), ۱۴۸-۱۶۸. <https://doi.org/10.1080/00131644.2013.804394>

Snow, C. (۲۰۲۱). *Reading for understanding: Toward an R&D program in reading comprehension*. Rand Corporation Publications, ۳۴(۲), ۱۱۰-۱۲۸.

Schunk, D. H. (۲۰۲۰). *Learning theories: An educational perspective* (۸th ed.). Pearson Education.